

تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۴/۰۹/۲۷
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج				
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح				
عنوان ۳	شرایط صحت نکاح				
عنوان ۴	شرط بلوغ				
عنوان ۵	فرع ششم: ولایت پدر و جد در نکاح صغیرین				
عنوان ۶	ولایت جد بر صغیرین و تقدم آن بر ولایت پدر				
عنوان ۷	گستره ولایت جد بر نوادگان ذکور و نوه پسری ❖ ادله و مستندات روایی مسأله				

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين

### چکیده

این مبحث به تبیین جایگاه فقهی ولایت جد پدری بر نوادگان صغیر در نظام خانواده می پردازد. بر اساس اجماع فقها و روایات مستفیضه، جد بر صغیرین ولایت دارد. در صورت تراحم اراده پدر و جد در امر ازدواج، اگر یکی پیشی گرفته باشد، عقد او نافذ است و در صورت همزمانی، اراده جد بر پدر مقدم می گردد؛ مشروط بر آنکه این اقدام مایه ضرر و زیان (مضار) نباشد.

در ادامه، استاد رحمته الله علیه تبیین می نمایند که ولایت معصوم علیه السلام به دلیل اشراف بر مصالح واقعی، بر تشخیص «ولی» مقدم است و خود حکم الهی، برترین کاشف از مصلحت است.

در نهایت، با استناد به اطلاق روایات، ثابت می گردد که این ولایت منحصر به نوه دختری نبوده و شامل نوه پسری (ابن الابن) نیز می شود. همچنین در صورت اقدام جد به تزویج صغیر، مسئولیت پرداخت مهریه بر ذمه او خواهد بود.

\*\*\*

\*\*\*

\*\*\*

## ولایت جد بر صغیرین و تقدم آن بر ولایت پدر

در مباحث فقه نظام خانواده، سخن به مسأله ولایت جد بر صغیرین رسید. اجمالاً بیان شد که ولایت جد بر صغیرین، مورد اتفاق و اجماع فقهاست؛ اما در جزئیات این مسأله، تضارب آرا و بحث‌هایی وجود دارد. مقرر شد چند مطلب مورد بررسی قرار گیرد:

نخست آنکه آیا «أب» و «جد» بر صغیرین ولایت دارند یا خیر؟ پیش‌تر اشاره شد که اجمالاً دارای ولایت هستند و روایات مربوطه در این باب قرائت و بررسی گردید.

در مباحث امروز، سخن در خصوص روایاتی است که تاکنون خوانده‌ایم؛ از جمله روایت مرحوم کلینی:

❖ عن فضل بن عبد الملك عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«إِنَّ الْجَدَّ إِذَا زَوَّجَ ابْنَةَ ابْنِهِ وَكَانَ أَبُوهَا حَيًّا وَكَانَ الْجَدُّ مَرْضِيًّا جَارًا...»؛

❖ و نیز روایت دیگر کلینی: عن عبید بن زرارة قال:

«قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْجَارِيَةُ يُرِيدُ أَبُوهَا أَنْ يُزَوِّجَهَا مِنْ رَجُلٍ وَيُرِيدُ جَدُّهَا أَنْ يُزَوِّجَهَا مِنْ رَجُلٍ آخَرَ، فَقَالَ: الْجَدُّ أَوْلَى بِذَلِكَ مَا لَمْ يَكُنْ مُضَارًّا...»<sup>۲</sup>؛

مفاد روایت چنین است که اگر پدر دختری بخواهد او را به همسری مردی درآورد و جدش نظر دیگری داشته باشد و شخص دیگری را برای ازدواج او در نظر گرفته باشد، اراده جد مقدم است؛ البته با این قید که: «مَا لَمْ يَكُنْ مُضَارًّا»؛ بدین معنا که مایه ضرر و زیان نباشد. برای نمونه، اگر پدر، همسری شایسته و جامع‌الشرایط یافته باشد اما جد، شخصی در سطح پایین‌تر را برگزیند و بر ازدواج با او اصرار ورزد، این جد مصداق «مضار» بوده و ولایتی برای او نخواهد بود. این روایت دلالت بر این دارد که اگر «أب» نیز مضار باشد، ولایتش ساقط می‌گردد.

پرسشگر: معنای ولایت امام در این موضوع چیست؟

استاد: معنای ولایت امام این است که ایشان مصلحت را چنین تشخیص می‌دهند. تشخیص مصلحت به وسیله امام، بر تشخیص مصلحت توسط «ولی» مقدم است؛ زیرا در تمامی موارد، ولایت مقید به مصلحت و عدم ضرر است؛ خواه ولایت عام باشد و خواه ولایت خاص.

پرسشگر: تمامی احکام الهی مشروط به مصلحت است؟

استاد: آری، منتها کاشف از مصلحت، خود حکم است و نمی‌توان به این بهانه که هر کس عقل خود را معیار تشخیص مصلحت بداند، از حکم الهی سر باز زند. کاشف مصلحت، ذات اقدس الهی و ولی امر است.

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب عقد النکاح وأولیاء العقد، ب ۱۱، ح ۴.

۲. همان؛ ح ۲.

## گستره ولایت جد بر نوادگان ذکور و نوه پسری

بحث امروز ما در این باره است که آیا ولایتی که تاکنون از آن سخن گفتیم، منحصر به دختر پسر است یا بر پسر پسر (ابن الإبن) نیز جاری می‌گردد؟ به عبارت دیگر، آیا این ولایت مخصوص دختر است یا اعم از دختر و پسر می‌باشد؟ بدین معنا که اگر جد برای نوه پسری خود همسری اختیار کرد و میان نشان پیمان زناشویی بست، آیا این عقد نافذ است یا خیر؟

از ادله چنین استنباط می‌گردد که چنین عقدی جایز است. البته وجود «خیار» برای نوه و حق فسخ عقد، مسأله دیگری است که بعداً به طور جداگانه بررسی خواهد شد. در روایتی نیز می‌خوانیم که جد باید هزینه ازدواج (مهریه) را بپردازد؛ یعنی اگر نوه خود را تزویج کرد، پرداخت مهریه را نیز باید بر عهده گیرد.

### ادله و مستندات روایی مسأله

دلیل این مطلب، روایتی از مرحوم کلینی است:

عن علی بن ابراهیم عن ابيه و عن محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان، جميعاً عن ابن أبي عمير عن هشام بن الحكم و محمد بن حکيم عن أبي عبد الله عليه السلام - این روایت از حیث سند بسیار قوی است - قال:

«إِذَا زَوَّجَ الْأَبُ وَالْجَدُّ كَانَ التَّزْوِيجُ لِلْأَبِ»؛

در این روایت، عنوان «تزویج» مطلق است و شامل پسر و دختر می‌شود و ما نیز به اطلاق آن اخذ می‌کنیم. امام علیه السلام می‌فرماید: اگر هم پدر و هم جد برای کسی همسری اختیار کردند، اقدام هر کدام که پیشی گرفته باشد، نافذ است و عقدی که بعداً صورت گرفته، باطل خواهد بود. در ادامه هم می‌فرمایند:

«فَإِنْ كَانَا جَمِيعاً فِي حَالٍ وَاحِدَةٍ فَالْجَدُّ أَوْلَى»؛

در نسخه شیخ صدوق، این روایت بدین صورت نقل شده است:

«فَإِنْ كَانَا زَوْجًا فِي حَالٍ وَاحِدَةٍ فَالْجَدُّ أَوْلَى»؛<sup>۲</sup>

یعنی اگر هر دو در یک لحظه اقدام به تزویج کردند، جد اولویت دارد. به هر حال، از اطلاق این روایت چنین بهره برده می‌شود که جد در امر تزویج ولایت دارد و ولایت او هم شامل صغیره بنت و هم صغیره ابن می‌گردد. ادامه بحث، ان شاء الله در هفته آینده پیگیری خواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. همان؛ ح ۳.

۲. من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۳۹۵.